



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد



۰۳/۱۸/۲۰۲۳

محمد صالح گردش

### عقاب ، مظهر طبیعی ایزد بهرام\*

یکی از یشت ها در کتاب مذهبی زردشتیان «بهرام یشت» است. بهرام فرشته نگهبان پیروزیست و آریاییان در مواقع جنگ به خاطر پیروزی و ظفر به او متوسل می شدند و از او یاری می خواستند و در هنگام نبرد او را ستایش و نیایش می کردند و برای خوشنودی اش نذر ها می نمودند.

پور داود در مقدمه این یشت مقاله نسبتاً مفصلی دارد که ریشه واژه بهرام و وظیفه این ایزد را به بررسی گرفته است. بهرام در اوستا ورثرغن Vesthraghan و در پهلوی ورهران می باشد<sup>(۱)</sup> کلمه بهرام مرکب است از دو لغت اوستایی ورثر+ غن، جزء اول ورثر به معنی حمله و هجوم و نیز بمعنی فتح و نصرت است. جزء دوم که غن باشد بمعنی کشته و زنده است و در جزء اول و اخیر دسته از لغات مرکبه اوستایی دیده می شود مثل خرفسترغن یعنی حشرات کش و آن اسم چوبدستی سر سیخی است که در قدیم موبدان (آتربانان) بدست می گرفته اند و یکی از علایم درجه آنان بوده چه کشتن حشرات مودی که از موجودات اهریمنی بشمار اند در مزدیسنا ثواب است و این کلمه در پهلوی، مارگن گردید<sup>(۲)</sup> مارگن واژه پهلوی که آله حشرات کش را می گفتند، ذهن مرا به سوی واژه مهرگن (میرگن) به معنی شکارچی ماهر، که هنوز این اصطلاح در زبان ایماقها موجود است، می کشاند. گن در زبان پهلوی که همان واژه غن اوستایی به معنی کشته است، ممکن به نظر می رسد که واژه Gun زبان انگلیسی به معنای تفنگ، از ریشه همان واژه باشد.

با مطالعه بهرام یشت متوجه می گردیم که مظهر و نماد طبیعی ایزد بهرام با همان معنی و مفهومی که در بالا تذکار رفت، عقاب است و بهتر می دانم تا در معنی واژه بهرام، جرأت، جسارت و شکست ناپذیری را نیز بیفزایم. در فقره ۲ بهرام یشت آمده است که نخستین بار بهرام اهورا در کالبد باد تند بوزید و در فقره ۷ برای دومین بار در کالبد گاو نر زیبا که در بالای شاخهای او آم خوب ساخته (و) خوب رسته هویدا بود درآمد.

در فقره ۹ برای سومین بار بهرام اهورا در کالبد اسب سفید زیبا که در روی پیشانی او آم خوب ساخته شده (و) خوب رسته هویدا بود درآمد.

پورداود در پاورقی دو فقره فوق، آم را جرأت و قوت و رشادت دانسته و افزوده است که آم فرشته قدرت و نیرو است.<sup>(۳)</sup>

معنایی که پورداود از واژه آم نموده است، معنای قناعت بخشی است؛ اما به نظر می رسد که شکل متحول واژه آم در زبان پارسی، «هما» باشد که یکی از نام های سیمرغ و عقاب است و جرأت و جسارت، بارزترین خصوصیت این پرنده شکارچیست.

از دو فقره فوق برمی آید که آم یا هما در بالای شاخهای گاونر و روی پیشانی اسب سفید نشسته باشد و یا نگاره عقابی در بالای شاخهای گاونر و روی پیشانی اسبی قرار داده شده باشد؛ زیرا عقاب مظهر جسارت، نبرد، شکست ناپذیری و تیزی است.

در فقره ۱۱ بهرام یشت برای چهارمین بار بهرام اهورا در کالبد شتر سرمست، در فقره ۱۵ برای پنجمین بار در کالبد گراز نیزدندان، در فقره ۱۷ ششمین بار در کالبد مرد پانزده ساله نورانی و در فقره ۱۹ برای هفتمین بار بهرام اهورا در

کالبد مرغ شاهین درآمد. فقرات ۲۰ و ۲۱ در وصف این مرغ شکاریست و فقرات ۳۸-۳۴ همان یشت باز هم سخن از تأثیر پر و استخوان مرغ وارغن است.

به نظر می رسد که واژه پهلوی «مارگن» که در بالا تذکار رفت شکل متحول واژه وارغن باشد و این کلمه ممکن است صفت شاهین و یا یکی از نام های آن خواهد بود؛ زیرا شاهین مرغی است به انواع مختلف و امروز هم در زبان و ادبیات پارسی دری نامهای زیادی دارد و به یقین که در گذشته ها نیز به نام های آم، وارغن، سنن، ورثرن، بهرام و غیره یاد می شده است. اسم وارغن از دو جزء ساخته شده است: وار+غن=حمله کشنده یا حمله کننده. در صورتیکه واژه های «غن» اوستایی و «گن» پهلوی را هم ریشه با واژه کان که در زبان پارسی دری معنای زیادت را نیز می رساند، بدانیم در آن صورت از اسم مارگن مفهوم زیاد زنده ارائه می گردد و واژه مهرگن را نیز می توان همانطور تعبیر نمود.

واژه وار به مفهوم حمله، زدن و نوبت در زبان های پارسی و پشتو هنوز کاربرد دارد و در اصل این واژه وارغن خواهد بود که در زبان پهلوی مارگن و در زبان دری ایماقها مهرگن (شکارچی ماهر) شده است و به نظر می رسد که واژه War زبان انگلیسی به معنای جنگ، از جزء نخست اسم وارغن باشد و هم واژه «مار» در زبان هندی از ریشه معنای مصدر زدن، از ریشه همین واژه به نظر می رسد.

اله نام دیگر این مرغ است که در ضمن در زبان دری معنای «زودباش» باش را می دهد، واژه ی که در ترکیب نام «اله غن» ناحیه یی در ولسوالی سانچارک، در ترکیب نام «اله کوه»، یکی از قله های کوه شادیان و غیره موجود است.

نام یکی از شاخه های کوچک ایماق «آلمان» است و معنای آن یعنی کسی که از عهده انجام هر کاری برآید، می باشد. اسم اله غن با کلمه وارغن بسیار به هم نزدیک و قریب، و هم واژه آلمان با اسم آلمان (نام کشور جرمنی) قابل تعمق است.

فقره ۴۱ بهرام یشت از این مرغ به نام سنن(سیمرغ) یاد می کند و فقره های ۴۴ و ۴۵ همین یشت باز هم سخن از آم رفته است. در فقره اخیر الذکر چنین آمده است: «به آم و به بهرام آفرین می فرستم بهر دو پشتیبانان به هر دو نگهبانان به هر دو پاسبانان(بکند) هر دو پرواز کنند به اینجا و آنجا پرواز کنند. هر دو به بالا پرواز کنند.» در این فقره بهرام بدون وصف ایزدی آمده است چنانکه در همه فقره های دیگر به شکل بهرام اهورا آمده و می توان حدس زد که در این جا بهرام نیز همچون آم یکی از نام های عقاب باشد و شاید منظور از آم و بهرام، نر و ماده عقاب و یا دو نوع آن باشد که به پرواز در آمدن آنها را در هنگام معرکه سعد می دانسته اند. بنابر این بهرام که شاید خود یکی از نام های عقاب بوده است، در ترکیب اسم بهرام یشت موجود است.

وضعیت طبیعی و آب و هوای سرزمین کهنسال آریانا(افغانستان فعلی) کاملاً با طبیعت زندگی این مرغ بلند پرواز سبک سیر موافق بوده است، چنانکه واژه سنن در فقره ۱ زامیادیش در ترکیب نام کوه «ایشکت اوپائیری سنن» موجود است. شاهین از زمان های دور و پیش از آیین زردشتی در میان آریاییان حائز احترام و مقام بلند بوده است. گذاشتن نگاره عقاب در بالای درفش کاویان<sup>(۴)</sup> می تواند گواه این مسأله باشد. طرز دید و اندیشه آریایی ها در رابطه عقاب به فرهنگ های جوامع و ملل باستانی دیگر نیز وارد گردیده. آسوریان که پیشینه شان به ۶۰۰۰ سال پیش از میلاد می رسد نگاره عقاب را گاهی بدون سر به کار برده اند.<sup>(۵)</sup>

در بهرام یشت بیشترین سخن در باب مرغ شاهین است. فرشته بهرام که در میان آریاییان یکی از ایزدان بوده، پس مظهر و نماد مادی و طبیعی آن ایزد در نزد آریاییان پرنده تیز پرواز شاهین بوده است و چنانکه می دانیم، شاهین و عقاب مظهر جسارت، تیزی، حمله، بلند پروازی و شکست ناپذیری است.

مأخذ:

- \*گردش، محمد صالح. واژه افغان و سرزمین سلیمان. مزار شریف: جاده بیهقی، مطبعه سیدهاشم، ۱۳۸۵ صص ۳۰-۲۶
- ۱- پور داود. یشت ها، جلد دوم اساطیر: ۱۳۷۷ ص ۱۱۲
  - ۲- همان اثر. ص ۱۱۳
  - ۳- همان اثر. پاورقی ص ۱۲۱
  - ۴- خلیق، صالح محمد. عقاب. کانون فرهنگی حکیم ناصر خسرو بلخی. ۱۳۷۵ ص ۲۱، به نقل از: مجله «جمهوریت و عرفان» سال پنجاه و یکم، شماره ۱۲-۸ (عقرب-حوت ۱۳۵۲) ص ۲۳.
  - ۵- همان اثر. ص ۲۲، به نقل از: امیری، داود. شاهین در فرهنگ باستانی ایران. مجله «گلچرخ» شماره ۸ و ۹ (بهمن و اسفند سال ۱۳۷۶) ص ۵۷.